

جلوه‌ای دیگر از مواضع پرو-امپریالیستی "حزب کمونیست کارگری"

در پی موشک پرانی رژیم وابسته جمهوری اسلامی به اسرائیل که در پاسخ به حمله دولت صهیونیستی اسرائیل به دفتر دیپلماتیک جمهوری اسلامی در سوریه انجام گرفت، موجی از تبلیغات در مورد احتمال وقوع خطر جنگ تمام عیار بین دو دولت ارتجاعی در منطقه فزونی گرفت.

احتمال جنگی خونین بطور طبیعی باعث گسترش ترس و ناامنی در میان میلیون‌ها تن از مردم کشورمان و همچنین هراس و نگرانی مردم منطقه گشت. به این ترتیب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، خوش خدمتی‌اش را به اربابان امپریالیست خود جهت رونق دادن به کسب و کار انحصارات اسلحه سازی و جنگی با ژست مبارزه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی و تشدید ناآرامی‌ها در منطقه بار دیگر ثابت کرد. با این توضیح کوتاه، در ارتباط با موشک پرانی جمهوری اسلامی و احتمال حمله دولت صهیونیستی اسرائیل به ایران، جریان‌ات و نیروهای سیاسی به اتخاذ مواضعی پرداختند که از میان آنان می‌توان به مواضع حمید تقوایی از حزب کمونیست کارگری ایران اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین پارامترهای ارزیابی ماهیت طبقاتی نیروهای سیاسی در جامعه، بررسی مواضع آنها، در هنگام وقوع رویدادها و تحولات بزرگ اجتماعی می‌باشد. بنابراین با شناخت مواضع آنان و درک اینکه این مواضع در خدمت کدام طبقه و کدام سیاست قرار دارد است که می‌توان به ماهیت طبقاتی آن نیرو، فارغ از هر ادعایی پی برد.

حمید تقوایی، از رهبران حزب کمونیست کارگری در گفتگویی با سوسن صابری، با عنوان "مبارزه علیه جنگ به چه معنا است" در قسمتی از سخنان خود چنین می‌گوید: "در هر حال همانطور که در سند هم گفته شده موضع و عملکرد ما بستگی به نوع و شدت حمله اسرائیل دارد. ما حمله به مراکز و یا مقامات نظامی و امنیتی حکومت را محکوم نخواهیم کرد". در نگاه اول به راستی که خنده دار است؛ کسی که در حرف مدعی باور به کمونیسم باشد حداقل انتظاری که از او می‌رود این است که ابتدا ماهیت چنین جنگی را روشن کند یعنی بگوید که این جنگ در چه شرایط تاریخی انجام شده و درگیری بین چه طبقه‌ای علیه چه طبقه‌ای است و آیا چنین جنگی به رشد و ترقی جوامع درگیر برای کسب آزادی و رهایی کمک می‌کند یا فقط باعث خرابی و کشتار ستمدیدگان می‌گردد. ولی با توجه به اینکه پیشوای فکری "لیدر" "حزب کمونیست کارگری" حمید تقوایی، یعنی منصور حکمت، دولت کودک کش اسرائیل را دمکراتیک‌ترین دولت خاورمیانه معرفی کرده، قاعدتا ایشان هم نباید حمله نظامی یک دولت باصطلاح دمکراتیک به ایران استبدادی را محکوم نماید! از سوی دیگر مگر یک جنگ واقعی و نه زرگری فقط به "حمله به مراکز و یا مقامات نظامی و امنیتی" خلاصه می‌شود که جنگ فرضی بین دولت‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی و اسرائیل چنین شود، تا جایی که یک جریان سیاسی بگوید اگر فقط فلان جا را بزنید من محکوم نمی‌کنم! (یعنی تاییدش هم می‌کنم!) یا در واقع این نوعی دفاع از اسرائیل در تقابل ادعائیش با جمهوری اسلامی می‌باشد.

به هر حال چون خواست یک تحلیل علمی از چنین حزبی درخواست نایجائی است باید تاکید کنم که همسوئی حمید تقوایی و دوستانش در حزب کمونیست کارگری با سیاست‌های تجاوزکارانه دولت‌های امپریالیستی و صهیونیستی امر تازه‌ای نمی‌باشد و این همسوئی از قبل در "حزب" آنان نهادینه شده است برای نمونه همه بیاد دارند که چگونه این "حزب" بورژوازی حمله و اشغال فاجعه بار و تبهکارانه افغانستان توسط امپریالیسم آمریکا را هم تایید کرد. و یا نمونه دیگر، در نشریه ۷۴۳ ایسکرا متعلق به همین حزب چنین می‌خوانیم: "من حمله آمریکا و کشورهای غربی علیه داعش را محکوم نمی‌کنم. من در جنگ با داعش طرفدار صلح نیستم، برعکس من مدافع جنگ تا شکست قطعی داعش هستم". (محمد آسنگران) در این مورد هم همانطور که مشاهده می‌شود هر بختی درباره ماهیت نیروهای درگیر و ماهیت چنین جنگی کنار گذاشته شده و موضوع اشغالگری و واقعیت جنگ افروزی استثمارگران و امپریالیست‌ها با ماهیت ارتجاعی داعش ماست مالی می‌شود.

الان سال‌هاست که حزب کمونیست کارگری حمید تقوایی، با علم کردن اسلام سیاسی و تزهایی نظیر اینکه ابتدا سر مار اسلام سیاسی را باید از بین برد به توجیه و پشتیبانی از سیاست‌های صهیونیستی و امپریالیستی در سطح منطقه پرداخته و با بهره‌گیری از شبکه‌های بورژوازی، با نام کمونیسم کارگری، دشمنان و جنایتکاران اصلی (یعنی همان خالقان و حامیان اسلام سیاسی) را که هر روز مرتکب وحشیانه‌ترین جنایات بشری و جنگ افروزی می‌گردند را کنار گذاشته و همه چیز را با "اسلام سیاسی" توجیه می‌کند؛ بدون اینکه به روی خود بیاورد که این بنیادگرایی اسلامی خود زاده امپریالیسم بوده و وسیله‌ای در دست وی برای توسعه سلطه خانه خراب‌کن‌اش بر زندگی و حیات کارگران و خلق‌های تحت ستم می‌باشد.

روشن است که برای دفاع از این مواضع رسوا چنین نیروی باید به نیروهای انقلابی و مدافع واقعی منافع کارگران و زحمتکش‌انگ‌های مختلف زده تا بتواند بدون ارائه نقد نظری، صرفاً با مهر "چپ سنتی" و یا "غیر سیاسی" از پیش آماده شده کوشید تا دیدگاه انحرافی و ضد کمونیستی خود را توجیه نمود.

به همین دلیل هم هست که نیروها و فعالین این جریان در مواجهه با نظرات و دیدگاه‌های نیروهای دیگر و ناتوانی پاسخ گویی به آنان با اکتفا به گفتن "چپ سنتی" و "چپ غیر سیاسی" می‌کوشند خود را قهرمان گفتگو و میدان نشان دهند.

واقعیت این است که سال‌هاست که حمید تقوایی و دیگر نیروهای پرو امپریالیست از قبیل تفکرات منتسب به کمونیسم کارگری در همسویی با تبلیغات جنگ طلبانه و ارتجاعی امپریالیستی با توجیه اسلام سیاسی و یا توجیهاتی دیگر، عملاً دشمن اصلی مردم را نه سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها بلکه صرفاً اسلام و مذهب می‌نامند. بدون شک، هر نیروی انقلابی و آگاه به مارکسیسم-لنینیسم، اسلام را یک ایدئولوژی، می‌داند که در شرایط متفاوت، توسط یک طبقه مشخص در خدمت توجیه و منافع اقتصادی و سیاسی آن طبقه قرار می‌گیرد. حمید تقوایی بدون هیچگونه تحلیل مبتنی بر واقعیت از ماهیت و عملکرد نیروهای وابسته و ارتجاعی اسلام‌گرا که سرکوب و استثمار و قتل عام مردم را به دستور اربابانشان در دستور کار خود قرار داده‌اند با بسنده کردن به "اسلام سیاسی" و عوامفریبی در این زمینه عملاً در جهت استتار کردن چهره تبهکارانه سرمایه‌داری و انحصارات جنگی امپریالیستی و گروه‌های مالی دولت‌های وابسته که در پشت نقاب "اسلام سیاسی" خود را پنهان کرده حرکت کرده است.

از سوی دیگر بارها و در جریان تند پیچ‌های مختلف نشان داده شده که این جریان با دل بستن به سیاست‌های سرمایه‌داران و صهیونیست‌ها، برای سرنگونی جمهوری اسلامی مانند سلطنت طلبان و برخی دیگر از نیروهای وابسته و ضد مردمی، چشم امید به کمک آنان بسته و در تدارک جهنمی دیگر برای کارگران و زحمتکشان ایران می‌باشد که نمونه‌اش را در جنگ 8 ساله با عراق شاهد بودیم. این جریان با این استدلال که حمله دولت صهیونیستی اسرائیل به مراکز نظامی و امنیتی، رژیم جمهوری اسلامی باعث تضعیف این رژیم می‌گردد و این امر باعث قدرت گرفتن بیشتر مردم می‌شود، عدم درک خود را از واقعیت‌های عینی جامعه نشان می‌دهد. و حتی حاضر نیست که یک لحظه فکر کند که مگر 8 سال جنگ با عراق در جریان خود باعث تضعیف این رژیم و تقویت جنبش مردمی شد؟ یا برعکس به جمهوری اسلامی کمک کرد که پایه‌های سلطه خود را با قتل عام جوانان در جبهه‌های جنگ، با سرکوب و نسل کشی مخالفان به بهانه جنگ مستحکم‌تر سازند؟ با این توصیف آیا لازم است به چنین جریان عوامفریبی یادآوری کرد که اولاً نتایج جنگ به تحلیل مشخص از طبقات درگیر در آن مربوط شده و ثانیاً کارگران و زحمتکشان خواهان جنگ‌های ارتجاعی نمی‌باشند و آن را محکوم می‌کنند و این تنها نیروهای ضد انقلابی همچون طالبان سلطنت هستند که برای رسیدن به اهداف ضد انقلابی خویش بر طبل جنگ دو دولت ارتجاعی و سرسپرده در منطقه می‌کوبند و انتظار دارند که اسرائیلی‌ها "سر مار" را برایشان از بین ببرند. آیا آنها نمی‌فهمند که هم سوئی با چنین نیروهائی اوج سقوط یک جریان را نشان می‌دهد. بی هیچ تردیدی نیروهای انقلابی برخلاف این "حزب" متکی به توده‌ها و قدرت مردم خودشان می‌باشند. آنها در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت توده‌ها ایمان دارند و برای سازماندهی آنها حرکت می‌کنند، یعنی همان مردم و جوانانی که قیام‌های دی‌ماه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ را شکل دادند و رژیم جمهوری اسلامی را تا لبه پرتگاه کشاندند.

واقعیت این است که حمید تقوایی پس از گذشت ۴۵ سال از عمر ننگین جمهوری اسلامی و حمایت‌های امپریالیست‌های جهانی از این رژیم که بر هیچکس پوشیده نیست. هنوز هم رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم مستقل ارزیابی می‌کند و بدون درک وابستگی این رژیم به امپریالیست‌ها و بدون درک این واقعیت که دولت اسرائیل سرسپرده آمریکاست در پاسخ به رسانه حزبی و محسن ابراهیمی می‌گوید: "هر ضربه‌ای به جمهوری اسلامی، مبارزه مردم برای به زیر کشیدن حکومت را تسهیل خواهد کرد". حال که حملات اسرائیل به جمهوری اسلامی انجام شده باید از ایشان و حزبش پرسید این مبارزانها چقدر جمهوری اسلامی را تضعیف نمود؟ واقعیتی که نشان می‌دهد حمید تقوایی با نام حزب کمونیست کارگری، عدم شناخت خود را از کمونیسم و آرمان‌ها و منافع طبقه کارگر در مواضع و گفتگوهایش به خوبی آشکار می‌سازد.

کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی تنها با اتکاء به قدرت و مبارز واقعی توده‌های کارگر و زحمتکش، زنان، جوانان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر افشار گرسنه و تهیدست جامعه است که قادر به تضعیف و براندازی رژیم‌های دیکتاتوری، ارتجاعی و وابسته هستند وگرنه همه می‌دانند که ضربه زدن‌های دولت صهیونیستی اسرائیل و گروه‌های وابسته سلطنت طلبان و یا تهدیدها و هشدارهای فریبکارانه دولت‌های امپریالیستی غرب و غیره علیه این رژیم تا این لحظه صرفاً در جهت حفظ منافع غارتگرانه خودشان بوده است.

حمید تقوایی، درمانده از درک اهداف بغایت جنگ طلبانه و ارتجاعی قدرت‌های امپریالیستی و فاشیستی‌ترین محافل جنگ طلب که از هر بهانه‌ای برای تشدید و گسترش جنگ افروزی و ناامنی برای رونق دادن به انحصارات اسلحه سازی، سود می‌برند. در همسوئی با سیاست‌های صهیونیست‌ها و امپریالیست‌های حاکم، در قتل عام و غارتگری میلیون‌ها انسان بی‌گناه خود را به نادانی زده و با ادعای هر ضربه به جمهوری اسلامی باعث تسهیل و براندازی آن می‌گردد، سر تعظیم در مقابل جنایتکاران و آدمکشان حرفه‌ای فرود آورده و خود را به ارابه جنگی آنان بسته است.

امروز هر انسان حقیقت جو و آزادیخواه براساس حقایق تاریخی افشاء شده به خوبی می‌داند که دارودسته‌های تروریستی مانند داعش، طالبان، القاعده، حزب الله در لبنان، بوکوحرام و غیره، دست ساخته و در خدمت سیاست‌ها و منافع آمریکا و غرب می‌باشند، و در واقع این دارو دسته‌های ضد انقلابی، ابزاری برای سرکوب انقلابات و نیروهای انقلابی و گسترش میلیتاریسم در سراسر جهان می‌باشند.

حزب کمونیست کارگری حمید تقوایی، در واقع خواهان تشدید جنگ و ناامنی در منطقه می‌باشد و درگیرهای دولت صهیونیستی اسرائیل با جمهوری اسلامی را غیر واقع بینانه در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی جلوه می‌دهد.

کارگران و زحمتکشان ما به خوبی می‌دانند که قدرت‌های جنایتکار امپریالیستی و صهیونیستی به غیر از جنگ، ویرانی، آوارگی و استثمار و صدها مصائب و مشکلات، چیز دیگری بیار نخواهند آورد، همانطور که نمونه‌های چنین فجایعی را در کشورهای افغانستان، عراق، لیبی و دیگر کشورهای جهان در شکل آوارگی، گرسنگی، بی‌خانمانی و ... مردم شاهد هستیم. حمید تقوایی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را از کانال یک نژاد پرست و فاشیستی به نام نتانیاهو که در تنیدگی‌اش با امپریالیسم امریکا هیچ شکی وجود ندارد، تبلیغ می‌کند و با انکاء به افعی‌ها می‌خواهد "سر مار" را از بین ببرد! اما این رژیم صهیونیستی و فاشیست "ناجی" توده‌ها نیست. برعکس، در همین یک سال اخیر با جنایات هولناک ضد بشری علیه مردم فلسطین، بیش از ۴۵ هزار انسان بی‌گناه از کودکان، زنان و غیر نظامیان را قتل عام کرده و باعث آوارگی، بی‌خانمانی، آسیب دیدگی‌های جسمی و روانی صدها هزار انسان گردیده است، بطوریکه مردم جهان در اعتراضات و تظاهرات میلیونی در سراسر جهان نفرت و انزجار خود را از این جنایتکار پست فطرت و نفرت انگیز و دولت صهیونیستی به نمایش گذاشتند.

کارگران، زحمتکشان و مردم ما نیازی به کمک چنین دولت‌های ضد مردمی و نژاد پرستی ندارند، آنچه نیاز آنان می‌باشد یک انقلاب واقعی توده‌ای است که در تقابل آشکار با دیدگاه و مواضع جنگ افروزان و انحرافی حمید تقوایی و دوستانش می‌باشد. از منظر کمونیست‌های واقعی، نه تنها باید علیه سیاست‌های نژاد پرستانه دولت صهیونیستی اسرائیل مبارزه و آنها را افشاء کرد بلکه همچنین هم زمان باید با بنیادگرایی اسلامی که دست در دست جنایتکاران امپریالیست به قتل عام مردم ستمدیده پرداخته و می‌پردازند، مبارزه و آنها را افشاء کرد.

در خاتمه باید تاکید کرد، مردم خواهان جنگ و خونریزی و درگیری نظامی نیستند چرا که آنان مخالف هر گونه جنگ ارتجاعی بخصوص جنگ دزدان و تبهکاران حاکم بر رژیم‌های سرسپرده ایران و اسرائیل می‌باشند و آن را محکوم می‌کنند چون کمترین منفعی در چنین جنگی برای مردم ستمدیده وجود نخواهد داشت. تنها کارگران، زحمتکشان و توده‌های ستمدیده و دربند هستند که می‌توانند با یک انقلاب دمکراتیک به رهبری طبقه کارگر، جامعه را از خطر یک جنگ ارتجاعی برهاند و کار، نان، مسکن، آزادی و استقلال را به ارمغان بیاورند.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

نابود باد امپریالیسم و صهیونیسم!

زنده باد انقلاب!

اکبر نوروزی